

آثار عفو در ارتباطات انسان و تجلی آن در سیره علوی

رقیه دانشی مقدم³؛ فاطمه رخشانی اول⁴؛ غلامرضا رضوی دوست⁵

چکیده

از آن جایی که عفو و بخشش یکی از فضایل اخلاقی است و کسب آن نیازمند تمرین و انگیزه است، لذا می‌توان با توجه به آثار بخشش در زندگی و ارتباطات انسانی، برای فرد ایجاد انگیزه ایجاد کرد و این فضیلت را در او نهادینه ساخت. به منظور دستیابی به این مهم، وجود یک الگوی شایسته و همه‌جانبه ضروری است که در این زمینه می‌توان از آیات و روایات و سیره ائمه (ع) به‌عنوان بهترین الگو بهره‌مند شد. در نوشتار حاضر، آثار عفو در ارتباطات انسان و تجلی آن در سیره امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته است و در سه حوزه ارتباط با خدا (آثاری چون: کسب مغفرت الهی، نزدیک شدن به تقوای الهی) و ارتباط با خود (آثاری چون: شفاعت، سلامتی، عزتمندی) و ارتباط با دیگران (آثاری چون: برقراری صلح و دوستی در جامعه و ارتباط سالم) به‌عنوان بارزترین این آثار در زندگی فرد برشمرده شده است.

کلیدواژگان: عفو، بخشش، ارتباطات انسان، سیره علوی

3. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزش عالی حوزوی نرجس (سلام الله علیها) زاهدان

4. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزش عالی حوزوی نرجس (سلام الله علیها) زاهدان

5. عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

از جمله فضایل اخلاقی که در آیات و روایات مورد تأکید فراوان قرار گرفته، عفو و بخشش است؛ چراکه آثار و برکات فراوانی را به دنبال دارد. بر اساس آیات قرآن کریم جامع‌ترین و معتدل‌ترین شیوه زندگی داشتن عفو می‌باشد. با توجه به گستردگی دایره شمول عفو در زندگی بشر، می‌توان گفت این مهم ابعاد ارتباطی انسان با خدا، خود و دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نوشتار حاضر سعی شده این فضیلت اخلاقی و تجلی آن در سیره حضرت علی (ع) در ابعاد ارتباطی انسان (خدا، خود و دیگران) مورد بررسی قرار گیرد تا به‌عنوان الگویی قرآنی مورد بهره‌مندی واقع گردد.

مفهوم شناسی

به منظور درک بهتر مطالب ابتدا به بررسی معانی لغوی و اصطلاحی کلمات کلیدی و پرکاربرد نوشتار حاضر خواهیم پرداخت:

1. ارتباطات

«ارتباط» مصدر باب افتعال و از ریشه ربط است و ربط دادن دو جزء جدا از هم به معنای پیوند دادن میان آن دو می‌باشد (دهخدا، 1385: 470). ارتباط، در علوم ارتباطات اجتماعی، در زمینه انتقال و انتشار اطلاعات و اندیشه‌ها و ایجاد همبستگی‌های اجتماعی و اشتراک فکر استعمال می‌شود (زورق، 1389: 38).

ارتباط در اصطلاح به معنای فرآیندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی در میان افراد می‌گذاریم به نوعی که دو طرف سخن گفته و به این عمل، فرآیند ارسال و دریافت پیام می‌گویند (هارجی و دیگران، 1393: 21).

2. عفو

«عفو» یکی از اسمای حسناى الهی به معنای محو آثار گناه و بخشش بسیار است و در اصطلاح، به معنای گذشتن از گناه و خودداری از مجازات آن است (ابن اثیر، 1367: 3/

265) و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است؛ چنانکه ابن منظور می‌گوید: «فی أسماء الله تعالی «العَفْوُ» هو فعول، من العَفْوِ و هو التَّجَاوُزُ عَنِ الذَّنْبِ و ترك العقاب علیه، و أصله المحو و الطَّمْسُ» (ابن منظور، 1414ق: 72 / 15). راغب در مفردات می‌گوید: «عفو» قصد گرفتن چیزی نمودن است و (ع- ف- و) دو ریشه اصلی دارد: یکی در گذشتن و ترک چیزی و دیگری، خواستن. عفو از جانب خداوند، عقوبت نکردن است؛ «اعفاه الله و عافاه الله؛ او را عافیتش داد و از زشتی دورش کرد». به همین مناسبت به وزش بادهایی که منجر به ویرانی و گرفتن چیزی می‌شود، این واژه اطلاق می‌شود و اگر به محو کردن، عفو اطلاق می‌گردد به خاطر این است که آن هم نوعی قصد برگرفتن چیزی است (راغب اصفهانی، 1412ق: 574).

امام صادق (ع) در تعریف عفو می‌فرماید: «العَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَسْرَارِ الْمُتَّقِينَ وَ تَفْسِيرُ الْعَفْوِ أَلَّا تُلْزِمَ صَاحِبَكَ فِيمَا أَجْرَمَ ظَاهِرًا وَ تَنْسَى مِنَ الْأَصْلِ مَا أُصِيبَ مِنْهُ بَاطِنًا وَ تَزِيدَ عَلَى الْإِخْتِيَارَاتِ إِحْسَانًا؛ عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت و انتقام، طریقه پیامبران و متقیان است و معنی عفو آن است که هرگاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود، پی او نروی و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیاده‌تر از پیش کنی» (مصباح الشریعه، 1400ق: 158).

3. سیره

«السَّيْرَةُ» جمع سیر، اسم است از سَارَ، به معنای سنت، روش، هیأت، مذهب (طریحی، 1375: 3/ 340؛ ابن فارس، 1404ق: 3/ 120؛ حسینی زبیدی، 1414ق: 6/ 559؛ ابن منظور، 1400ق: 4/ 390؛ فیروزآبادی، 1415ق: 2/ 120). «سیره الرجل» یعنی روش و کردار مرد، چگونگی رفتار او با مردم. «حَسَنُ السَّيْرَةِ» یعنی خوش برخورد و نیکو روش با

مردم، و در زبان متداول بر داستان و قصه اطلاق می‌شود (بستانی، 1375: 507). در نوشتار حاضر معنای مورد نظر همان روش و کردار می‌باشد.

در اصطلاح نیز به حالتی و روشی گفته می‌شود که انسان و سایر جانداران، وجود و نهادشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی و خواه اکتسابی؛ چنانکه گفته می‌شود: فلانی سیره و روشی نیکو و قبیح دارد (راغب اصفهانی، 1412 ق: 433).

الف) آثار عفو در ارتباط انسان با خدا

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ارتباطات، ارتباط انسان با خداوند است و تأثیر مستقیم در زندگی فرد دارد، لذا در ادامه به بررسی مهم‌ترین آثار عفو در این حیطة و تجلی آن در سیره علوی می‌پردازیم:

1. کسب مغفرت و نعمت الهی

عفو و گذشت از خطای بندگان از جمله خصوصیات خداوند متعال است؛ چنانکه قرآن کریم به این امر اشاره نموده و می‌فرماید: «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا غَفُورًا؛ خداوند بخشنده و مهربان است» (نساء/ 99). وقتی خداوند از نهان و آشکار همه با خبر است و عیب‌ها را می‌پوشاند و از گناهان بندگان درمی‌گذرد ما نیز به عنوان بندگان و جیره‌خواران درگاه او باید به پیروی از خالق و مدبر خود از گناه و لغزش دیگران بگذریم تا بخشش خداوند شامل حالمان شود؛ چنانکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيُغْفِرُوا لِيُغْفَرُوا أَوْ لَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ صاحبان مال و وسعت از شما نباید سوگند بخورند که به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است» (نور/ 22). خداوند در این آیه بیان می‌کند که عفو و بخشش موجب جلب مغفرت الهی

می‌گردد و هدف از این کار تنها باید کسب مغفرت الهی باشد (قرائتی، 1388: 6/ 162) و می‌فرماید همان‌گونه که شما انتظار عفو الهی را در برابر لغزش‌های خود دارید، باید در مورد دیگران نیز عفو و بخشش را فراموش نکنید (مکارم شیرازی، 1374: 14/ 415).

در آیه دیگر با همین مضمون می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا؛ اگر کار نیکی را آشکارا یا پنهان انجام دهید، یا از لغزش و بدی دیگران درگذرید، بدانید که قطعاً خداوند بخشاینده تواناست» (نساء/ 149). در این آیه، خداوند مردم را ترغیب می‌کند که با داشتن قدرت انتقام و کیفر از بدکار درگذرند؛ چراکه خداوند با کمال قدرت خود، گناهان بیشتری از ایشان را عفو می‌نماید که قابل مقایسه با گناه و بدی شخص بدکار نیست (طبرسی، 1373: 10/ 119). در تفسیر این آیه بیان شده که حضرت موسی (ع) به خداوند متعال عرض کرد: پروردگارا کدام یک از بندگان نزد تو عزیزترند؟ فرمود: آنکه در وقت قدرت و توانایی عفو نماید (حسینی شاه عبدالعظیمی، 1363: 2/ 629).

با توجه به این آیه می‌توان گفت خداوند با آن همه عظمت و بزرگی و با خبر بودن از سرّ افراد باز آن‌ها را مورد عفو و رحمت خود قرار می‌دهد، این کار درحقیقت یک نوع فعل الهی است و ما نیز با داشتن قدرت بر هر گونه انتقام، باید دیگران را مورد عفو و بخشش قرار دهیم (طباطبایی، 1417ق: 5/ 125). این‌گونه رفتار کردن از اخلاق حسنه‌ای است که خدای تعالی بدان امر فرموده و از صفات الهی می‌باشد. آیا بنده مؤمن دوست ندارد که متصف به صفات خداوند شود؟! (حسینی شاه عبدالعظیمی، 1363: 13/ 210).

شاید بتوان یکی از عواملی که موجب تأکید فراوان بر این مسئله شده را چنین برشمرد که عدم عفو و بخشش و گرفتن انتقام از دیگران موجب می‌گردد راه بازگشت و عذرخواهی بر فرد خاطی بسته شود و چه بسا تحریک شود که به ظلم و تجاوز و دشمنی خود را ادامه بدهد (البیاتی، 1391: 83). بنابراین گذشت از خطاهای دیگران از اخلاق پسندیده‌ای است

که به شخص عزت می‌بخشد و جایگاهش را نزد مردم بالا می‌برد. از همه مهمتر اینکه مورد عفو و مغفرت الهی قرار می‌گیرد و خداوند رحمت خود را بر فرد بخشنده سرازیر می‌کند؛ حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «بِالْعَفْوِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ؛ با عفو است که رحمت [خدا] فرود می‌آید» (لیثی واسطی، 1376: 189). در واقع عفو و بخشش دشمنی را تبدیل به دوستی می‌کند و از کدورت‌ها می‌کاهد، عامل ایجاد آرامش و ثبات در جامعه می‌شود، زندگی را رونق می‌دهد و ... خداوند به سبب آن نعمت‌های مادی و معنوی عطا می‌نماید.

2. کسب خشنودی خداوند

یکی دیگر از آثار عفو و بخشش، کسب خشنودی خداوند است. اگر انسان از ظلمی که به او شده برای رضای الهی بگذرد، نتیجه آن کسب خشنودی خداوند خواهد بود؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ از آن‌ها در گذر و صرف‌نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (مائده/ 13). در این آیه خداوند به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید که حتی از ستم‌هایی که قوم یهود در حق ایشان داشته است بگذرد؛ چراکه عفو و گذشت از کافران نیز احسان و نیکی بوده و عاملی برای محبوبیت و کسب خشنودی الهی می‌باشد (قرائتی، 1388: 2/ 257).

در سیره حضرت علی (ع) نیز به وفور این مسئله دیده می‌شود؛ از جمله می‌توان به گذشت ایشان بعد از پیروزی در جنگ جمل اشاره کرد چنانکه حتی دشمنان ایشان به این عفو و بخشش بزرگوارانه اشاره کرده‌اند: «ما درباره علی (ع) ستم روا داشتیم و بیعت خود را با او شکستیم، ولی وقتی او بر ما پیروز شد، هیچ‌کس را بزرگوارتر و باگذشت‌تر از او پس از پیامبر (ص) نیافتیم» (مفید، 1371: 416).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که عفو و بخشش نباید به جهت مقام و شخصیت اجتماعی و ظاهری فرد گناهکار باشد بلکه باید به‌منظور کسب خشنودی خداوند و رضایتمندی الهی باشد تا بتوان به این فیض عظیم نائل شد.

3. همجواری با تقوا

یکی دیگر از آثار و برکات عفو و بخشش که نصیب فرد بخشنده می‌شود، نزدیک شدن به تقوا است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ اگر شما گذشت کنید، به پرهیزگاری نزدیکتر است» (بقره/ 237). در تفسیر شریف مجمع البیان در توضیح این آیه آمده است: نزدیک بودن بخشش به تقوا از دو جهت است:

- 1- کسی که از حق خود می‌گذرد و آن را می‌بخشد، قطعاً حق دیگری را به ستم نمی‌گیرد. بنابراین گذشت به تقوا نزدیکتر است و در اینجا شخص، تقوای در مقابل دیگران دارد.
- 2- کسی که از حق قانونی و شرعی خود صرف‌نظر می‌کند، نزدیکتر است که نافرمانی و گناه نکند و آنچه را مال او نیست نگیرد. در اینجا شخص بخشنده، تقوای در برابر فرمان الهی دارد (طبرسی، 1373: 598/2). در سیره علوی نیز می‌بینیم که حضرت علی (ع) در بالاترین درجات تقوا قرار دارند و یکی از فضایل برجسته اخلاقیشان عفو و بخشش است، لذا ما نیز باید با تاسی به ایشان از این راه خود را به تقوا الهی نزدیک سازیم.

ب) آثار عفو در ارتباط انسان با خویشتن

عفو و بخشش بیشترین تأثیر را بر خود فرد بخشنده می‌گذارد؛ چراکه بخشش شاهره سلامت روانی افراد است. از این‌رو در ذیل به اهم این آثار در رابطه با زندگی فرد اشاره می‌کنیم:

1. رضایت از زندگی

همه انسان‌ها بر اساس فطرت به دنبال رضایت از زندگی و راه‌های کسب آن هستند. یکی از مهم‌ترین آثاری که عفو و بخشش در زندگی فرد بخشنده دارد کسب رضایت از زندگی می‌باشد. در این خصوص می‌توان به روایتی از امام علی (ع) اشاره کرد که حتی با دشمنان خود با عفو و بخشش برخورد می‌کردند. روزی ابوهریره نزد امیرالمؤمنین (ع) رفت و سخنان زشت و توهین‌آمیزی به ایشان گفت، فردای آن روز برای حاجت مهم پیش

آن حضرت (ع) آمد و اظهار احتیاج نمود، امام (ع) بدون تأخیر نیاز او را برطرف ساخت. یاران ایشان باتعجب علت این برخورد امام (ع) را جویا شدند و امام (ع) فرمودند: شرم داشتم از اینکه جهالت و نادانی او بر حلمم و خطایش بر عفو و سؤالش بر کرمم غلبه یابد، از این رو حاجتش را روا ساختم (حسینی سعیدی، 1373: 288/1). اگر حضرت (ع) در این داستان به دنبال حس انتقام‌جویی بود و فرد را از حاجتش بی‌نیاز نمی‌کرد، ممکن بود روابطشان مکدر و خدشه‌دار شود و این رفتار دامنه وسیعتری پیدا کند. اما امام (ع) بدون هیچ بخلی حاجت آن فرد را برآورده ساخت. همچنین حضرت (ع) در چشم‌پوشی از رفتار دیگران می‌فرماید: «أَغْضَى عَلَيَّ الْقُدَىٰ وَإِلَّا لَمْ تَرْضَ أَبَدًا؛ با خار خاشاکی که در چشم است، چشم را فرو بند و گرنه هیچگاه در زندگی خوشحال نخواهی بود» (نهج البلاغه، حکمت 213).

با توجه به عبارت پربار حضرت (ع)، امروزه که افراد با ناملایماتی مواجهند که ناشی از تزامم منافع ایشان با یکدیگر است و در این حال، خشم و پرخاشگری، نزاع و درگیری و ... در وهله اول آرامش روحی فرد را سلب می‌کند، غالباً عفو و اغماض و تحمل و سعه صدر تنها راه برخورداری از آرامش و آسایش در زندگی خواهد بود (ایروانی و همکاران، 1390: 225/2). از جمله آثار بخشش و گذشتن از حق خود نسبت به دیگران، برکت و خیر در زندگی عفوکننده می‌باشد؛ چنانکه حضرت علی (ع) در تفسیر آیه 90 سوره نحل می‌فرماید: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى [عَزَّ وَجَلَّ] «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ الْعَدْلُ الْإِنصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ؛ در اینکه خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد [می‌فرماید]: عدل، همان انصاف و احسان، همان بخشش است» (نهج البلاغه، حکمت 231). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ؛ آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد» (همان، حکمت 232). منظور از دستی بلند، بخشش از ناحیه خداوند است؛ بدان جهت که نعمت خدا همیشگی و چندبرابر نعمت مخلوق و اصل و اساس تمام نعمتهاست، بنابراین

تمام نعمت‌ها به نعمت‌های خداوند بازمی‌گردد و از آن سرچشمه می‌گیرد. اگر فرد بخشنده بداند با بخشیدن فرد ناتوان می‌تواند به خیر و برکت بسیار در زندگی دست یابد و بهره مضاعف برد، در این صورت طبیعتاً از خیر خویش خواهد گذشت تا به خیر الهی و برکت آن دست یابد؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید] و [اگر به‌راستی قدرت پرداخت ندارد] بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید» (بقره/ 280).

در این آیه به یک مسئله اخلاقی و انسانی اشاره شده و آن اینکه در مواردی که بدهکاران سخت در مضیقه‌اند، اگر بدهی آنان بخشوده شود و یا بر آنها سخت گرفته نشود، احساس کینه‌توزی و انتقام به محبت و صمیمیت مبدل می‌شود و افراد ضعیف جامعه به فعالیت مجدد واداشته می‌شوند و علاوه بر اینها صدقه و انفاق در راه خدا محسوب می‌شود که ذخیره روز قیامت است (مکارم شیرازی، 1374: 2/378).

بنابراین کسی که بی‌توقع می‌بخشد، بی‌منت گذشت می‌کند، نیازمندان را آزار نمی‌دهد، مخفیانه انفاق می‌کند و با نیت خیرخواهانه به صحنه می‌آید، خداوند، بیم‌ها و حزن‌ها را از او می‌زداید و در مقابل، آرامشی عمیق و نشاطی ژرف جایگزین می‌سازد که منجر به داشتن زندگی آرام و سراسر برکت و امید می‌شود و حس رضایت از زندگی را در فرد تقویت می‌کند.

2. عزتمندی

یکی از نعمت‌های الهی به بندگان، عزت و آبرومندی است که موجب بالا رفتن اعتماد به نفس فرد می‌گردد و گاهی نیز عاملی برای آزمایش او قرار می‌گیرد و به او قدرتی می‌دهد تا بتواند در مقابل فردی که به حقش تجاوز کرده و ظلمی به او روا داشته مقابله

به مثل کند یا ببخشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست جز به حق نیافریدیم و قطعاً ساعت قیامت آمدنی است، پس به نیکویی (از لغزش‌ها) صرف نظر کن» (حجر / 85). خداوند در این آیه افراد را به عفو و گذشت بدون ملامت و سرزنش دعوت می‌کند (مکارم شیرازی، 1374: 11/127) تا از این طریق فرد بخشنده به خود عزت دهد و دیگران نیز او را بزرگ شمارند و با احترام با او برخورد کنند. حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: «عَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالْتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ؛ با ندیده گرفتن امور جزئی و کوچک، بر اعتبار و حیثیت خود بیافزایید» (مجلسی، 1403ق: 75/64). پس تغافل و گذشت از خطای دیگران موجب عزتمندی فرد بخشنده می‌گردد.

امیرالمؤمنین (ع) در حکمتی از نهج البلاغه نیز به این امر اشاره کرده و می‌فرماید: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ هرگاه بر دشمنت قدرت یافتی، گذشت از وی را شکرانه قدرت یافتنت بر او قرار ده» (نهج البلاغه، حکمت 11؛ حرعاملی، 1409ق: 12/171). همچنین در حدیث دیگری می‌فرماید: «الْعَفْوُ زَيْنُ الْقُدْرَةِ؛ گذشت، زیور قدرت است» (لیثی واسطی، 1376: 42). از این دو عبارت گرانقدر می‌توان چنین برداشت کرد که در برابر نعمت قدرت، باید قدردان بوده و شکر آن را با عفو و گذشت خود به جا آورد چراکه عزتمندی و بزرگی برای بخشنده به همراه دارد.

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «مَا عَفَا عَنِ الذَّنْبِ مِنْ قَرَعٍ بِهِ؛ کسی که به واسطه گناه کسی را سرزنش کند، گذشت نکرده است» (همان، 477)؛ یعنی بخشش واقعی، منت نگذاشتن بر سر فرد خطاکار است و اگر بخشنده با منت فرد را مورد عفو خود قرار دهد نه تنها عزت نمی‌یابد بلکه این عمل او موجب از بین رفتن ثواب بخشش و عفو وی نیز می‌گردد.

بخشندگی حضرت علی (ع) زبان زد دوست و دشمن بود به حدی که ممکن بود قاتل خود را هم مورد عفو قرار دهد: «إِنْ أَبَقَ فَأَنَا وَلِيُّ دَمِي، وَإِنْ أَفْنَا فَالْفَنَاءُ مُيعَادِي، وَإِنْ أَعْفُ فَالْعَفْوُ لِي قَرِيبٌ، وَ لَكُمْ حَسَنَةٌ؛ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا، أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ...»؛ اگر من زنده بمانم خود صاحب اختیار و ولی خون خود هستم و اگر بمیرم و فانی گردم، فنا میعاد و میقات من است و اگر ضارب را عفو کنم این عفو برای من موجب تقرب و برای شما حسنه‌ای است. پس بنابراین عفو کنید و از جرم ضارب چشم‌پوشید، آیا دوست ندارید که خداوند نیز از خطاها و گناهان شما درگذرد» (کلینی، 1407ق: 1/299).

حضرت علی (ع) با گذشت و فداکاری‌های متعدد از صدر اسلام تا هنگام شهادت برای خود عزتی ابدی آفرید چنانکه برای تمام بشریت الگو و حسنه نیکو شد. پس بر ما شیعیان ایشان نیز لازم است تا با الگو قرار دادن اخلاق و منش آن حضرت (ع) برای خود عزتمندی کسب کنیم و در تاریخ اثرگذار باشیم.

3. سلامتی

یکی دیگر از آثار عفو و بخشش، سلامتی است. هنگامی که فرد برای کسب آرامش درونی خود دیگران را می‌بخشد، موجب می‌گردد از احساس منفی نسبت به فرد خطاکار رها شود و دوری از عصبانیت بر سلامتی وی تأثیر مثبت بگذارد. تحقیقات گسترده‌ای که در این خصوص انجام گرفته، بیانگر تأثیر مستقیم این اخلاق الهی با ابعاد تأثیرگذارش بر روی سلامت روان انسان است. بر این اساس، عفو می‌تواند در کاهش اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و دیگر اختلالات عاطفی - رفتاری که تأثیر سوئی بر سلامتی انسان دارد مؤثر باشد و از سوی دیگر به افزایش اعتماد به نفس، امیدواری و... که در سلامت روحی و روانی انسان نقش بسزایی دارد، تأثیرگذار باشد. با توجه به نتایج این تحقیقات، دانشمندان دریافته‌اند که بروز یا تشدید برخی از بیماری‌های جسمانی مانند بیماری‌های قلبی،

سرطان، آسم و ... تحت تأثیر حالات روانی فرد قرار دارند و از آنها با عنوان «اختلالات روان تنی» نام می‌برند. همچنین چنانکه تجزیه و تحلیل‌های آماری نیز نشان می‌دهند بین خصومت و خشم و انسداد عروق، هیستنگی معناداری وجود دارد (ایروانی و همکاران، 1390: 2/224).

لذا می‌توان نتیجه گرفت که بخشش دیگران با راهبرد الهی تأثیر غیرقابل انکاری در سلامتی فرد خواهد داشت؛ چنانکه امام علی (ع) در کلامی حکمت‌آمیز می‌فرماید: «مَتَى أَشْفَى غَيْظِي إِذَا غَضِبْتُ أَحِينٌ أَعْجَزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ فَيُقَالُ لِي لَوْ صَبَرْتُ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ فَيُقَالُ لِي لَوْ عَفَوْتُ؛ چه موقع من آتش خشم را فرونشانم؟ آیا در موقعی که عاجز از انتقامم که به من گفته می‌شود صبر کن تا توانا شوی؟ یا در موقعی که قادر بر انتقامم که به من گفته می‌شود اگر عفو کنی بهتر است؟» (نهج البلاغه، حکمت 194). براین اساس حضرت (ع) راه‌هایی از بروز یا تشدید پاره‌ای از بیماری‌های روحی و جسمانی را عفو و گذشت معرفی نموده‌اند.

4. دور شدن از عذاب الهی

خداوند در قرآن کریم عفو و گذشت را راهی برای دور شدن عذاب و مصیبت معرفی کرده و می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛ و آنچه از مصیبت به شما رسد پس به خاطر دستاورد خودتان است و او از بسیاری (گناهانتان) درمی‌گذرد» (شوری / 30).

انسان‌ها با توجه به عملکردی که دارند مستحق پاداش و عذاب هستند، همان‌گونه که در این آیه شریف آمده است بلاها و گرفتاری‌های دنیوی نتیجه اعمال خود انسان است، در حالی که خداوند از بسیاری از آنها نیز می‌گذرد. حال اگر ما از ظلم و ستمی که به ما شده بگذریم و بخشش داشته باشیم، درحقیقت با این کار مصیبت را از خود و دیگران دفع کرده و اجازة نمی‌دهیم که خود و دیگران گرفتار شویم. حضرت علی (ع) نیز به این امر اشاره کرده و می‌فرماید: «الْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ جُنَّةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ؛ گذشت کردن با وجود قدرت

[انتقام]، سپری در برابر عذاب خداوند سبحان است» (لیثی واسطی، 1376: 27). با توجه به این حدیث، عفو و گذشت، اسباب دور شدن از عذاب الهی را فراهم می‌آورد؛ عذابی که انسان را در دنیا و آخرت ذلیل و خوار می‌کند و از بین می‌برد.

5. حفاظت از آبرو

آبرو و حیثیت از جمله مواردی است که هر فرد تلاش می‌کند تا به بهترین نحو ممکن از آن حراست و نگهبانی کند. عفو و بخشش باعث حفظ آبرو و شخصیت انسان می‌شود؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ؛ بخشندگی، نگهبان آبروهاست» (نهج البلاغه، حکمت 211). بنابراین انتقام، به هنگام قدرت، معمولاً ناشی از یک انگیزه حیوانی است ولی عفو و گذشت نشانه شخصیت و یک نوع تسلط بر نفس و بزرگ‌منشی و عظمت روح است که می‌تواند شعله سوزان خشم و انتقام را تحت‌الشعاع قرار دهد. لذا به هر اندازه عفو و گذشت بیشتر نشان داده شود، ارزش افراد و آبروی آنها بالاتر خواهد رفت و نزد خالق و مخلوق عزیزتر خواهند شد. به‌علاوه، انتقام هیچگاه نتوانسته حس احترام مردم را برانگیزد و یا عواطف را به سوی انتقامجویان جلب کند و یا باعث حفظ آبرو شود، در حالی که عفو و گذشت، اثر عمیقی در جلب افکار عمومی و برانگیختن عواطف و احساسات به نفع عفوکننده داشته و این خود از عوامل مؤثر حفظ آبرو محسوب می‌گردد (مکارم شیرازی، 1384: 191).

روشن است که بسیاری از مردم به علت حسد یا تنگ‌نظری در مقام عیبجویی برمی‌آیند و به بهانه‌های مختلف آبروی اشخاص را بر باد می‌دهند، ولی هنگامی که فرد بخشنده باشد، عیبجویان و حاسدان خاموش خواهند گشت (همو، 1390: 13/ 618). بنابراین بخشندگی و حفظ آبرو و حیثیت فرد به یکدیگر مرتبطند؛ انسانی که عفو و بخشش را پیش گیرد، آبروی خود را در برابر حاسدان و تنگ‌نظران حفظ می‌کند و از بدگویی دیگران و سرزنش آنان در اجتماع نیز محفوظ می‌ماند. لذا هنگامی که فرد ببیند عفو و گذشت

چه برکاتی در دنیا و آخرت برای وی به همراه دارد و چگونه سبب آبرو و عزتمندی نزد خلق و خالق می‌شود و وی را از بسیاری مشکلات و دردها می‌رهاند و به او محبوبیت نزد مردم و خدا می‌دهد، در حالی که انتقام‌جویی گاه شیرازه زندگی او را بر هم می‌زند و جان و مال و آبروی او را با انواع خطرات مواجه می‌سازد، به یقین عفو و گذشت را بر انتقام‌جویی ترجیح خواهد داد و کم‌کم این مسأله به صورت خلق و خو و ملکه اخلاقی در وی درمی‌آید.

6. شفاعت الهی

از جمله مهمترین آثار عفو و بخشش، بهره‌مندی از شفاعت الهی در آخرت است که مورد توجه هر مسلمانی می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَمَنْ سَرَّهُ أَنْ تَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَىٰ عَنْهُ؛ پس هر کس دوست دارد که شفاعت شفاعت-کنندگان به او برسد، باید رضایت خداوند را جلب کند» (گلستانه، 1387: 441). همان‌گونه که گذشت، یکی از راههای دستیابی به خشنودی الهی، عفو و بخشش است؛ امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «اقْبَلْ مِنْ مُتَنَصِّلٍ عُذْرَهُ فَتَنَالَكَ الشَّفَاعَةُ؛ اگر کسی از تو معذرت خواست، تو عذر او را بپذیر تا شفاعت شفیعیان (فردا) نصیبت شود» (کبیر مدنی شیرازی، 1409ق: 284/5؛ احمدی میانجی، 1426ق: 2/210). بنابراین اگر می‌خواهیم در قیامت از شفاعت خداوند بهره‌مند شویم باید در دنیا نسبت به دیگران بخشش داشته باشیم.

7. افزوده شدن مراتب و درجات معنوی

کسی که اهل عفو و بخشش باشد و افراد خطاکار و گناهکار را مورد عفو خویش قرار دهد و در برخورد با دیگران لغزش‌ها و خطاهای آنان را نادیده بگیرد و از آنها بگذرد، درجات و مراتبش نزد خداوند افزون می‌گردد؛ زیرا همان‌گونه که گذشت در قرآن اوصاف و ویژگی‌های خاصی برای افراد بخشنده ذکر شده که از جمله آنها رسیدن به مقام قرب الهی و کسب خشنودی و رضایت الهی است که هر کدام به نوبه خود موجب افزوده شدن

درجات و مقامات عالی دنیوی و اخروی برای فرد بخشنده می‌گردد؛ امام علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «تَجَاوَزْ عَنِ الزَّلَلِ وَ أَقِلِ الْعَثَرَاتِ تُرْفَعُ لَكَ الدَّرَجَاتُ؛ بگذر از لغزشها و درگذر از گناهان و تقصیرات تا درجه‌ها برای تو بلند شود» (آقا جمال خوانساری، 1366: 314 / 3). توجه به این نکته محرک قوی برای بخشش و عفو دیگران خواهد بود؛ زیرا گذشت از لغزشها، گناهان و تقصیرات دیگران بنا به فرمایش حضرت (ع) به درجات و مراتب فرد بخشنده می‌افزاید.

ج) آثار عفو در ارتباط انسان با دیگران

انسان بر اساس فطرت خود ناگزیر از برقراری ارتباط با دیگران است و در این ارتباط خواه ناخواه تزاخم منافع پیش می‌آید، اما آثار عفو و بخشش می‌تواند به عنوان یک محرک قوی در برقراری ارتباط سالم فرد با دیگران باشد و بنا بر آیات قرآن کریم عفو کردن دیگران مقدمه اصلاح کردن است. از این‌رو در ادامه به اهم این آثار در ارتباط فرد با دیگران می‌پردازیم:

1. برقراری صلح و دوستی

یکی از آثار اجتماعی عفو و بخشش، برقراری صلح و دوستی در جامعه است؛ چنانکه وقتی فرد در برابر سخن و عمل بد دیگران مقابله به مثل نکند، بلکه رفتار آن‌ها را به نیکی پاسخ دهد، این عمل نتیجه و اثرات مطلوب‌تری برای فرد و جامعه در بر خواهد داشت؛ قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ و نیکی با بدی یکسان نیست (بدی دیگران را) با شیوه بهتر (که نیکی است) دفع کن، که در این هنگام آن کس که میان تو و او دشمنی است، همچون دوست گرم می‌شود (و عداوتش نسبت به تو تمام می‌شود)» (فصلت / 34).

در تفسیر این آیه بیان شده که عفو و گذشت، راه مقابله با خشونت‌هاست و توصیه می‌کند که هرگز بدی را با بدی و زشتی را با زشتی پاسخ ندهید، که این روش انتقامجویان است و موجب لجاجت و سرسختی منحرفان خواهد شد (مکارم شیرازی، 1374: 20/281). نتیجه عفو و بخشش را می‌توان تبدیل شدن دشمنان سرسخت به دوستان گرم و یاران موافق بیان کرد (حسینی شاه عبدالعظیمی، 1363: 11/373). همچنین هنگامی که فرد ببیند که طرف مقابل نه تنها بدی را با بدی پاسخ نمی‌دهد، بلکه با خوبی و نیکی به مقابله برمی‌خیزد، اینجاست که وجدان درونی او تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بیدار می‌گردد، انقلابی در درونش صورت می‌گیرد، شرمنده می‌شود، احساس حقارت می‌کند و برای طرف مقابل عظمت قائل می‌شود و محبت و دوستی جای کنیه و دشمنی را می‌گیرد (مکارم شیرازی، 1374: 20/282).

چنین رفتاری روش پیغمبر گرامی اسلام (ص) و پیشوایان معصوم (ع) است که لازم است آن را به عنوان الگو در ارتباطات خود با دیگران لحاظ نماییم؛ به عنوان نمونه می‌توان به جریان فتح مکه اشاره نمود که نه تنها دشمنان بلکه دوستان انتظار انتقام‌جویی شدید مسلمین و به راه انداختن حمام خون در آن سرزمین نفاق و کانون دشمنان سنگدل و بی‌رحم را داشتند، اما پیغمبر (ص) همه را مشمول عفو خود قرار داد (همانجا). امیرالمؤمنین علی (ع) نیز که در دامان پیامبر گرامی اسلام (ص) تعلیم و تربیت یافتند چنین بخشنده و باگذشت بودند؛ چنانکه پیامبر (ص) در وصف بخشندگی ایشان می‌فرماید: «هَذَا الْبَحْرُ الْآخِرُ هَذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ أَسْحَى مِنَ الْفَرَاتِ كَفًّا وَ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا قَلْبًا فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ این دریای خروشان و خورشید برآمده، در بخشش از فرات بخشنده‌تر است و دل گشاده‌تر از دنیا. هر کس او را دشمن بدارد، لعنت خدا بر او باد» (کراچکی، 1410: 1/148).

امیرالمؤمنین (ع) بخشش را راهی برای رسیدن به دوستی معرفی کرده و می‌فرماید: «جَازَ بِالْحَسَنَةِ وَ تَجَاوَزَ عَنِ السَّيِّئَةِ مَا لَمْ يَكُنْ ثَلَمًا فِي الدِّينِ أَوْ وَهْنًا فِي سُلْطَانِ الْإِسْلَامِ؛ (بدی یا

خوبی را) به نیکی پاداش ده و از بدی در گذر، به شرط آنکه به دین لطمه‌ای نزند یا در قدرت اسلام ضعفی پدید نیآورد» (لیثی واسطی، 1376: 223). همچنین ایشان می‌فرماید: «عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ ارْذُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ؛ برادر (دوست) خود را با نیکی سرزنش کن (به جای سرزنش به او نیکی نما تا شرمنده شود چون شرمندگی از هر سرزنش اثرش بیشتر است) و بدی او را با بخشش بر او بر طرف گردان (زیرا بخشش موجب دوستی است و بدی در برابر بدی سبب زیاده کردن دشمنی می‌شود)» (نهج البلاغه، حکمت، 158).

از این رو می‌توان گفت عفو و گذشت، بستری برای ایجاد دوستی‌ها و پیوندهای محکم اجتماعی می‌شود و دل‌های افراد را به هم نزدیکتر می‌کند، باعث محبت‌ورزی بین مردم جامعه می‌گردد و ایجاد همبستگی اجتماعی می‌کند.

2. برقراری رابطه سالم

از جمله عواملی که در تحکیم روابط میان فردی و ارتباط با دیگران تأثیر عمیقی دارد، عفو و گذشت نسبت به گفتار و کردار ناشایست دیگران است. این کار راهی جهت تأدیب و اجتناب از بدی به دیگران است. در واقع یکی از راه‌های آموزشی و تربیتی در ایجاد جامعه سالم و اخلاقی و پرهیز دادن دیگران از بدی و زشت‌کاری، ترک مقابله به مثل است؛ زیرا وقتی مقابله به مثل صورت می‌گیرد، امکان دارد همین رویه به‌عنوان اصل در اجتماع تلقی گردد و افراد به رفتارهای زشت خود را ادامه دهند، اما با عفو و گذشت فرد خاطی شرمنده می‌شود و این امکان فراهم می‌گردد که او به زشت‌کاری و بدی ادامه ندهد و بدین ترتیب بدی از فرد و جامعه دور می‌شود و سلامت اخلاقی و هنجاری در جامعه تقویت شده و گسترش می‌یابد. خداوند در این رابطه می‌فرماید: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ؛ و اگر عقوبت کردید، همان‌گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر

است» (نحل / 126). لذا برای رسیدن به مقام صابرين و داشتن جامعه سالم نیاز به عفو و گذشت است.

نتیجه‌گیری

براساس مباحث مطرح شده در مورد آثار عفو و بخشش در ارتباطات انسان و تجلی آن در سیره علوی نتایجی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

الف) از مهمترین آثار عفو و بخشش در ارتباط با خدا که در سیره علوی نیز متجلی است می‌توان به کسب مغفرت الهی، کسب خشنودی خداوند، همجواری با تقوای الهی اشاره نمود.

ب) از مهمترین آثار عفو و بخشش در ارتباط با خود که در سیره علوی نیز متجلی است می‌توان به رضایت از زندگی، عزتمندی، سلامتی، دور شدن از عذاب الهی، حفاظت از آبرو، شفاعت الهی، افزوده شدن درجات و مراتب معنوی اشاره کرد.

ج) از مهمترین آثار عفو و بخشش در ارتباط با دیگران که در سیره علوی نیز متجلی است می‌توان به برقراری صلح و دوستی در جامعه و ارتباط سالم با دیگران اشاره نمود.

د) با دقت در سیره علوی که یکی از برجسته‌ترین اخلاق حسنه ایشان بخشش و عفو است - بخششی که دوست و دشمن به آن اذعان داشتند - می‌توانیم آن را الگوی خود قرار دهیم.

فهرست منابع

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، تصحیح جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران: دانشگاه تهران، 1366.
4. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تصحیح محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، 1367.

5. ابن فارس، أحمد بن فارس، معج مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1404ق.
6. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح جمال الدیم میردامادی، بیروت: دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع، 1414ق.
7. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، تصحیح مجتبی فرجی، قم: دار الحدیث، 1426ق.
8. ایروانی، جواد و دیگران، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1390.
9. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، 1375.
10. البیاتی، جعفر، گذشت والاترین فضیلت‌ها، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1391.
11. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1409ق.
12. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، 1414ق.
13. حسینی سعیدی، ابراهیم، علی آینه حق نما، تبریز: احرار، 1373.
14. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، 1363.
15. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، اصفهان: مرکز تحقیقاتی رایانه‌ای قائمه اصفهان، 1385.
16. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم، دارالشامیه، 1412ق.
17. زورق، محمد حسن، ارتباطات و آگاهی (مفاهیم، مبانی و ارزش‌ها)، تهران: سروش، 1389.
18. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، 1417ق.
19. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل‌الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو، 1373.

20. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، 1375.
21. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1415ق.
22. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1388.
23. کبیر مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، تصحیح محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1409ق.
24. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، 1410ق.
25. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1407ق.
26. گلستانه، سیدعلاءالدین محمد، منهج الیقین (شرح نامه امام صادق (ع) به شیعیان)، تصحیح مجتبی صفی و علی صدراپی خوبی، قم: دار الحدیث، 1387.
27. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، 1376.
28. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1403ق.
29. مفید، محمد بن محمد، الجمل، تحقیق علی میرشریفی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، 1371.
30. مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، قم: انتشارات سرور، 1384.
31. _____، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام: شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، 1390.
32. _____، تفسیرنمونه، تهران: دارالکتب اسلامیه، 1374.
33. مصباح الشریعه، منسوب به امام جعفر بن محمد (ع)، بیروت: اعلمی، 1400ق.
34. هارچی، اون و دیگران، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: رشد، 1393.